

شمه ای از اخلاق، صفات و کرامات

ابن طلحه می گوید ...: اینک سخن درباره سومین علی یعنی علی الرضا علیه السلام است و هر که به دقت بنگرد برآستی او را وارث ایشان می یابد و حکم می کند که وی سومین علی است. ایمان و مقام و منزلتش والا و توانمندی وی گسترده و یارانش فراوان و برهانش هویدا و آشکار است تا آن جا که مامون خلیفه عباسی او را از خواص خود قرار داد و در مملکت خویش شریک ساخت و امر جانشینی خویش را به او واگذارد و دخترش را به همسری او درآورد.

مناقبش والا و صفات شریفش برجسته و بخشندگی اش چون حاتم و طبیعتش چون اخزم (جد حاتم) و اخلاقی عربی و نفس شریفش هاشمی و خصلت بزرگواری اش چون پیامبر صلی الله علیه و اله بود، چنان که هر چه از فضایلش بشمارند او از آن برتر و هر مقدار از مناقبش یاد کنند، وی از آن بلند مرتبه تر است. می گوید: اما القاب آن حضرت: **رضا، صابر، رضی، وفی**، و مشهورتر از همه رضاست.

مناقب و صفات آن حضرت (ع)

خداوند برخی از آنها را به او اختصاص داده تا به علو مقام و ارجمندی اش گواهی دهند. ابن طلحه بخشی از کرامات آن حضرت را بیان کرده که ((ان شا الله)) ما بعضی از آنها را نقل خواهیم کرد.

شیخ مفید - رحمه الله - از یزید بن سلیط ضمن حدیثی طولانی از ابوالبراهیم امام کاظم علیه السلام نقل کرده است که در همان سال رحلتش فرمود: ((من امسال از دنیا می روم و امر ولایت به پسر من علی همانم دو علی می رسد؛ اما علی اول، علی بن ابی طالب علیه السلام و علی دیگر، علی بن حسین علیه السلام است، علم و حلم، نصرت و محبت، ورع و دیانت اولی و محنت پذیری و صبر بر شاید دومی را به او داده اند. علی بن عیسی اربلی - رحمه الله - در فصلی که بخشی از خصایص و مناقب و اخلاق کریمه امام رضا علیه السلام را نقل کرده، به نقل از ابراهیم بن عباس می گوید: من هرگز ندیدم که چیزی را از امام رضا علیه السلام بپرسند و او نداند و در روزگاران تا زمان او کسی را دانایتر از او سراغ ندارم، مامون درباره هر چیزی به عنوان آزمون از او می پرسید و او پاسخ می داد در حالی که تمام سخن و پاسخ و استشهاد وی برگرفته از قرآن مجید بود.

هر سه روز یک مرتبه قرآن را ختم می کرد و می فرمود: ((اگر بخوام کمتر از سه روز ختم کنم. می توانم ولی من هرگز بر آیه ای نمی گذرم مگر اینکه درباره آن می اندیشم و درباره شان نزولش فکر می کنم)). از جمله می گوید: کسی را برتر از ابوالحسن الرضا علیه السلام ندیدم (وصف کسی را برتر از او) نشنیده ام، از او چیزها دیده ام که از هیچ کس ندیده ام؛ هرگز ندیدم در سخن گفتن کلمه ای رنجش آور به کسی

بگوید یا سخن کسی را پیش از آنکه از گفتار خویش فارغ شود قطع کند و یا حاجت کسی را در صورت توانایی بر اجابت آن ، رد کند و هرگز ندیدم پاهایش را نزد همنشینی دراز کند و در حضور کسی تکیه دهد، و ندیدم کسی از خادمان و غلامانش را دشنام گوید و ندیدم که آب دهان بیندازد و ندیدم که با صدای بلند بخندد؛ بلکه همواره خنده اش به صورت بلند بود و چون خلوت می کرد و سفره گسترده می شد، نوکران و غلامانش را حتی دربانان و پرده دار را بر سر سفره می نشاند . شب هنگام ، کم خواب و بیشتر روزها روزه دار بود .

در هر ماه سه روز، روزه اش ترک نمی شد. کار خیر بسیار می کرد و صدقه نهانی بسیار می داد که بیشتر آن در شبهای تاریک بود. بنابراین هر که گمان کند نظیر او در فضیلت دیده است ، باور نکن . از محمد بن عباد نقل کرده ، می گوید: حضرت رضا علیه السلام تابستان روی حصیر و زمستان روی پلاس می نشست ، تن پوشش جامه ای خشن بود اما در حضور مردم با لباس آراسته ظاهر می شد . از اباصلت ، عبدالسلام بن صالح هروی نقل کرده که می گوید: من داناتر از علی بن موسی الرضا علیه السلام را ندیدم و هیچ عالمی هم او را ندیده مگر این که مانند من درباره او گواهی داده است. مامون گروهی از دانشمندان ادیان و فقهای شریعت و متکلمان را در چندین مجلس با آن حضرت رو به رو کرد و آن حضرت سرانجام بر همه غالب شد تا آنجا که کسی از ایشان نماند مگر آن که به فضل آن وجود گرامی اقرار کرد و به ناچیزی خویش اعتراف نمود .

من از آن حضرت شنیدم که می گفت : ((در روضه پیامبر صلی الله علیه و اله می نشستم در حالی که بسیاری از علمای مدینه در آن جا بودند. وقتی که یکی از آنها از حل مساله ای فرو می ماند همگی به من

اشاره می کردند و مسائل را نزد من می فرستادند و من جواب می دادم.))

ابوالصلت می گوید: محمد بن اسحاق بن موسی از قول پدرش نقل می کند که موسی بن جعفر علیه السلام به پسرش می گفت: ((این برادر شما علی بن موسی عالم آل محمد صلی الله علیه و اله است ، مسائل دینتان را از او پرسید و آنچه را که می گوید حفظ کنید؛ زیرا من از پدرم جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که به من فرمود: عالم آل محمد صلی الله علیه و اله در صلب تو است ، کاش من او را درک می کردم که او همانم

امیرالمؤمنین علیه السلام است))

از محمد بن یحیی فارسی نقل شده که : روزی ابونواس امام رضا علیه السلام را دید که سوار بر استر از نزد مامون می آمد، به آن حضرت نزدیک شد و سلام داد و گفت : یابن رسول الله ، من اشعاری درباره شما گفته ام ، مایلیم که شما آنها را از زبان من بشنوید .

فرمود: بخوان ! ابونواس شروع به خواندن کرد. امام رضا علیه السلام فرمود: تو اشعاری گفته ای که پیش از تو کسی نظیر آنها را نگفته است . غلامش را صدا زد و فرمود: ((آیا چیزی از مخارجمان موجود است ؟ عرض

کرد: سبب دینار موجود است . فرمود : آنها را به ابونواس بده . سپس فرمود: شاید این مبلغ کم باشد این

استر را هم به او بده))

از ابوالصلت هروی نقل است که امام رضا علیه السلام با همه مردم به زبان خودشان سخن می گفت و به

خدا سوگند که فصیح ترین و داناترین مردم به تمام زبانها و لهجه ها بود .

روزی به آن حضرت گفتم : یابن رسول الله من از این که شما این همه زبانهای مختلف را می دانید در شگفتم . فرمود: ((ای اباصلت من حجت خدایم بر خلق و نمی شود که خداوند حجتی را بر قومی بفرستد و او زبان آن قوم را نداند. آیا این سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نشنیده ای که فرمود: ((ما را فصل

الخطاب داده اند)) و آیا فصل الخطاب چیزی جز دانستن زبانهای مختلف است))

و از امام رضا علیه السلام نقل شده است که مردی از اهل خراسان به آن حضرت گفت : یابن رسول الله ، رسول خدا را در خواب دیدم ، به من فرمود: چگونه خواهید بود وقتی که در سرزمین شما پاره تن من دفن شود و امانت من به شما سپرده شده تا آن را حفظ کنید و قطعه ای از جسم من در خاک شما پنهان شود؟ امام رضا علیه السلام فرمود: ((منم آن مدفون در سرزمین شما و منم پاره تن پیامبران و منم آن امانت و آن قطعه بدن ، بدانید که هر کس مرا زیارت کند در حالی که به آنچه خدای تعالی از حقوق و طاعت من واجب کرده است معرفت داشته باشد، من و پدرانم روز قیامت شفیع او خواهیم بود و هر که را ما شفاعت کنیم نجات یافته است هر چند که بمانند گناه جن و انس داشته باشد، پدرم به نقل از جدم و او از قول پدرش نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: هر که مرا در خواب ببیند، به حق مرا دیده است زیرا که شیطان نمی تواند به صورت من و کسی از اوصیای من و احدی از شیعیان ایشان در آید و برآستی که رؤیای صادقانه یک جزء از هفتاد جزء نبوت است))

اما روایاتی که از آن حضرت در علوم مختلف و انواع حکمت نقل شده و اخبار جمع شده و پراکنده و احسان آن حضرت با اهل ملل و مناظرات مشهورش ، بیش از حد شمار است .

علی بن عیسی اربلی - رحمه الله - گوید: ((این کتاب ((عیون اخبار الرضا علیه السلام)) مشتمل بر مطالب کمیاب و برجسته ، بهتر از رشته های گلوبند آویخته بر گردن دوشیزگان بکر، هر که می خواهد چشمش در باغستان آن کتاب سیر کند و تشنگیش را از زلال آبگیرهایش سیرآب نماید و از شگفتیها و فنون و بوستانها و چشمه سارانش بهره گیرد من او را راهنمایی کردم و اندیشه اش را بدان سمت هدایت نمودم ، چیزی افزون بر محتوای آن نتوان یافت که سخن جامع را بخوبی بیان کرده است .